

بقلم : آقای دکتر سادات ناصری

مهرگان

بقیه از شمارهٔ پیش

(۲)

درسنگ نبشته‌های هخامنشی، نام « میثرا » شش بار یاد شده است و چند بار هم با نام « اناهیتا » یعنی ناهید باهم آمده؛ و با آنکه در این کتیبه‌ها فقط از « میثرا » یاوری خواسته شده است، ولی پیداست که مقام و منزلت او در ردیف اهورمزدا و اناهیتا فرشتهٔ آب تلقی می‌شده است.

بنا بر این بشهادت « اوستا » و نامهٔ « ودا » و کتیبه‌های هخامنشی و بعضی آثار کهن و روایات مورخان یونانی و رومی و ارمنی، آریاییان همگی و مخصوصاً مردم ایران و شاهنشاهان این سرزمین بمهر توجهی مخصوص داشتند و همهٔ لشگریان پیروزی و ظفر را ازو میدانستند و مهر ستایی سراسر ایران را فرا گرفته بود و در عصر هخامنشی « میثرا » را بصورت یکی از یاوران اهورامزدا می‌پرستیدند.

در اثر غلبهٔ ایرانیان بر بابل، اندک اندک بمهر پرستی بابل کشید و از آنجا بهمهٔ آسیای صغیر و سپس از همان راه با اروپا رفت و هر یک از اقوام بیگانه رسم و عادت‌های خود را پروردگاران قدیم خود باو باز بستند و آن را بدوق خویش بیاراستند. از عهد هخامنشیان تا چندین قرن پس از میلاد مسیح، مهر پرستی قلمروی وسیع و اهمیتی بسیار یافت و مخصوصاً در سده‌های اول و دوم میلادی سربازان روم در انتشار آن عاملی مهم شدند و سرانجام دین مهر در اروپا تا انگلستان کشیده شد و در آفریقا بحدود صحرا رسید.

«از نست رنان» Renan (۱۸۲۳ م . - ۱۸۹۲ م .) مورخ مشهور فرانسوی مینویسد : « اگر علت و حادثه‌ای ترقی عیسویت را باز میداشت ، هر آینه جهان از آن مهر بود . »

اثرات مهرپرستی در دین مسیح بسیار فراوانست . چنانکه توان گفت: تقریباً آنچه متعلق بر رسوم و آداب و آیین مهر بود ، ب مذهب عیسی (ع) منتقل گردیده است . غسل تعمید و زدن ناقوس و ارغنون در کلیسا و عبادت در روز یکشنبه و برپا داشتن عید میلاد مسیح در ۲۵ دسامبر که روز تولد مهر است و بجا آوردن مراسم در پرده برداشتن از مجسمه مسیح و بکار بردن آب « زور » با سم آب مقدس یا ماءالعماد و بکار بردن شراب و نان که آن را خون و گوشت و روان عیسی (ع) تصور کرده اند و در حقیقت همان «هوم» و «درون» مهر است که تغییر نام داده و رهبانیت که در هر دو مذهب میان روحانیان انتشار دارد و بسیاری مراسم و آداب دیگر در کیش مسیح (ع) از مهر-پرستی برگرفته شده است .

۴- جشن مهرگان

نظر بفضیلت‌های متعددی که برای «مهر» بر شمرده ایم ، و فضائل دیگری که درباره روز مهر (شانزدهم مهرماه) ذیلاً ذکر میکنیم ، ایرانیان پیشین این روز فرخنده را که همنام ماه است با فر و شکوهی بی نظیر جشن می گرفتند و معتقد بودند که خداوند در این روز در کالبد «مشیا» و «مشیان» (آدم و حوا) روح دمیده و همچنین بکالبد همه جانوران جان بخشیده است و نیز در چنین روزی مردم از ستم «ده آک» (ضحاک) بوسیله کاوه آهنگر رسته و او را در کوه دماوند در بند کشیده و فریدون را بتخت شاهی بر نشانده اند . و نیز گویند که: اردشیر بابکان ، سرسلسله ساسانیان ، نیز در این روز خجسته تاج خورشیدپیکر بر سر نهاده است .

با این وصف معلوم می شود که حرمت و عظمت این جشن در نزد نیاکان ما

بعد اعلام بوده است و حتی برای برپا داشتن مراسم آن به یک روزا کتفا نکرده اند. بنا بنوشته اغلب مورخان، از شانزدهم مهرماه «مهرروز» تا بیست و یکم این ماه «رام روز» عید داشتند و شش روز تمام جشن می گرفتند. نخستین روز را «مهرگان» عامه یا مهرگان کوچک و آخرین روز را «مهرگان خاصه» یا مهرگان بزرگ می نامیدند. ابوریحان بیرونی پارا فراتر گذاشته و در کتاب نفیس «آثار الباقیه» بصراحت تعداد ایام این جشن را از شانزدهم مهرماه تا سی روز تمام نوشته است و این مدت را بشش قسمت تقسیم میکند و هر پنج روز را بطبقه ای از طبقات اجتماعی اختصاص می دهد، عیناً نظیر جشن نوروز که سی روز تمام جشن می گرفتند و هر پنج روز مخصوص طبقه ای بوده است، بدین قرار که پنجه نخستین مخصوص پادشاهان و دومی باشراف و سومی بخدم پادشاهان و چهارمی بندمای آنان و پنجمی بعامه مردم و ششمی بشبان اختصاص داشت. جاحظ نیز در این قول با ابوریحان هم عقیده است.

این جشن همانند دیگر جشنهای ملی ایران در دوره بعد از اسلام تا هنگام حمله مغولان بر گزار میشد و چنانکه در تاریخ بیهقی مضبوط است، در دربار سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی مهرگان باشکوهی تمام بر گزار می گشت و شاعران چکامه ها پرداخته به هنگام جشن به پیشگاه سلطان تقدیم می داشتند و یادگارهای دل انگیزی از آن زمان و دوره های قبل و بعد آن در زبان فارسی بر جای مانده است که در بخش سرودهای مهرگانی فراهم کرده ایم. منتهی چون سلطنت ایرانیان بدست اعراب بر افتاد، بمناسبت متغییر بودن ماهها، زمان جشن مهرگان و همچنین نوروز و دیگر جشنها که تابع شهورند، متغییر و در گردش بود؛ تا اینکه بسال ۴۶۷ هجری بفرمان ملکشاه سلجوقی ماههای پارسی بر اثر اصلاح تقویم در طول فصول ثابت شد. بدین معنی که نوروز باول حقل آمد و مهرگان و دیگر جشنها بجای سابق خود باز گشتند.

درباره قدمت و رواج این جشن در ایران و هند و اروپا و آسیای صغیر شکی نیست، و چنانکه دارمستتر میگوید: «این عید همان اندازه قدیم است که ملت ایران» (زند اوستا ج ۲ ص ۴۴۳)

مراسم جشن مهرگان - اغلب نویسندگان، مراسم جشن مهرگان را با نوروز یکسان ضبط کرده اند؛ ولی تردیدی نیست که بمقتضای اختلاف زمان و سایر علل، مراسم این دو جشن باهم اختلافاتی پیدا میکند.

از قدیمترین دوران تاریخ ایران، یعنی روزگار هخامنشیان، که فرشته مهر از «مهرین ایزدان» بشمار میرفته است و بنامش سو گندیاد میکرده اند، جشن مهرگان با مراسم مخصوصی برگزار میشده. منتهی آنچه مربوط بدوره هخامنشی است، بعلت نبودن آثار و مآخذ کافی، بصراحت و قطعیت دوره ساسانیان نمی باشد و بقرینه و گاهی نیز از روی بعضی اسناد تاریخی میتوان بپاره ای از رسوم متداول دربار شاهنشاهان هخامنشی اشاره کرد.

مثلاً دکتر «ارنست هرتسفلد» میگوید: «هخامنشیان برای بارعام عمارتی خاص داشتند و در جشن نوروز بیمارنشسته و نمایندگان پادشاهان جزء و شهر بانان را که با هدایا بدربار حاضر میشدند، بخدمت می پذیرفتند. با این حال چگونه میتوان قبول کرد که در جشن مهرگان با آن عمه عظمت و موقعیت طبیعی که دارد و تالی نوروز میباشد، بارعام مرسوم نبوده باشد».

«کتزیاس» Ktésias مورخ معروف یونانی که خود مدتی در دربار هخامنشی میزیست و پزشک اردشیر دوم بود، میگوید: شاهان هخامنشی هر گز باده گساری نمیکردند، مگر در جشن مهرگان و هم او گوید که شاه در این روز لباس ارغوانی می پوشید.

در جشن مهرگان شهر بانان و پادشاهان دست نشانده بوسیله نمایندگان خود

تحف و هدایای شایان شاهنشاهان هخامنشی میفرستادند .

«استرابون» جغرافیادان مشهور یونانی، در کتاب یازدهم از جغرافیای خود، میگوید که : «ساتراب ارمنستان همه ساله هزار کره اسب بعنوان هدیه به پیشگاه شاهان میفرستاد و در جشن مهرگان از نظر شاهنشاه ایران بگذرد . - همچنین جزو هدایای شاهنشاه گیاهی خوشبو بنام «سی سیف» که شاید همان سیسنبه باشد، تقدیم می داشتند».

پس از برافتادن سلسله هخامنشی، بعزت تسلط یونانیان و حکومت سلسله سلوکی و تغییر تاریخ اوستایی بتاریخ مقدونی، که شاید مبدأ آن سال ۳۱۲ ق.م باشد، که سال تأسیس سلسله سلوکی است، اعیاد ملی و مذهبی در دربار پادشاهان متروک شد، تا آنکه اشکانیان شاهنشاهی یافتند و باز مردم پاک نژاد ایران توجه برسوم و آداب آباء و اجدادی را از سر گرفته در احیای سنن ملی تا حد امکان بکوشیدند.

بنا بر آنچه از نوشته «ثعالبی» در کتاب «غرراخبار ملوک الفرس و سیرهم» برمیآید، در این دوره جشن مهرگان با مراسم مخصوص و بارعام برگزار میشد و تحف و هدایا بشاهنشاه ایران تقدیم میگردد و ابتدا موبدان موبد تیمناً بتقدیم هدایای خود مبادرت میورزید . مرسوم بودن تاریخ اوستایی در دوره اشکانی که بالتبع شامل اعیاد و جشنهای ملی و مذهبی است و نقش ماههای اوستایی بر روی سکهها و اسناد دولتی و اقدامی که در کتاب «دینکرت» به «ولکش» Velkach، پادشاه نامبردار اشکانی، در باب جمع آوری اوستا نسبت داده میشود، همه مؤید مفهومی است که «ثعالبی» در کتاب خود راجع بمرسوم بودن جشن مهرگان در دوره اشکانیان آورده است .